



An Examination of the Role of Literal and Interpretative Distortion in the Deviant Movements of Mahdism in Contemporary Times*

Khoda Morad Salimian¹ 

1. Associate Professor, Department for Mahdism Studies, Research Center for Mahdism and Futurology, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.
kh.salimian@isca.ac.ir



Abstract

Movements, like processes shaped within society based on specific criteria, bring about transformations and have foundations that, when analyzed, significantly aid in the critique of each movement. Identifying the contexts and backgrounds of the emergence of deviation in Mahdism as a movement can be influential in preventing and curbing the spread of each instance. Studies show that, until now, the role and significance of distortion in Mahdism-related narratives within deviant movements have received little attention in Mahdism studies. Based on this necessity, this paper examines the role of both literal and interpretative distortion in contemporary deviant Mahdism movements. The author strives to highlight several instances of distortion and to assess the role of distortion in the range of deviant movements. The conclusion drawn is that among all the factors contributing to the formation and continuation of deviant movements, the phenomenon of distortion—whether literal or interpretative—has played a key role.

Keywords

Literal Distortion, Interpretative Distortion, Deviant Movements, Mahdism and Contemporary times.

* **Cite this article:** Salimian, K. M. (2024). An Examination of the Role of Literal and Interpretative Distortion in the Deviant Movements of Mahdism in Contemporary Times. *Journal of Mahdavi Society*, 4(9), pp. 109-135. <https://doi.org/10.22081/JM.2024.68845.1097/>

■ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:** 2024/08/28 • **Revised:** 2024/09/12 • **Accepted:** 2024/09/23 • **Published online:** 2024/11/14

بررسی جایگاه تحریف لفظی و معنوی در جریان‌های انحرافی مهدویت در دوران معاصر*

 **خداامراد سلیمیان^۱**

۱. دانشیار، گروه مهدویت‌پژوهی پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
kh.salimian@isca.ac.ir



چکیده

جریان‌ها، بسان حرکت‌هایی که در جامعه بر پایه معیارهای ویژه‌ای شکل گرفته و دگرگونی‌هایی را با خود به همراه دارند، بنیان‌هایی دارند که بررسی و تحلیل آنها کمک شایانی به تحلیل و نقد هر جریان می‌کند. شناسایی بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری پدیده انحراف در مهدویت به مثابه جریان، می‌تواند در پیشگیری و جلوگیری از گسترش هر یک تأثیرگذار باشد. بررسی‌ها، گویای آن است که تاکنون به نقش و جایگاه تحریف در روایات مهدویت در جریان‌های انحرافی، در گستره مباحث مهدویت کمتر پرداخته شده است؛ بر پایه همین بایستگی، در این نوشتار به بررسی جایگاه تحریف لفظی و معنوی در جریان‌های انحرافی معاصر پرداخته شده است. نگارنده در این نگاشته تلاش کرده با بازنمایی شماری از تحریف‌های انجام‌شده، جایگاه تحریف را در شمار جریان‌های انحرافی بررسی نماید. نتیجه به دست آمده اینکه در میان همه عوامل شکل‌گیری و استمرار جریان‌های انحرافی، پدیده تحریف اعم از لفظی و معنوی نقشی کلیدی داشته است.

کلیدواژه‌ها

تحریف لفظی، تحریف معنوی، جریان‌های انحرافی، مهدویت و معاصر.

* **استناد به این مقاله:** سلیمیان، خداامراد. (۱۴۰۳). بررسی جایگاه تحریف لفظی و معنوی در جریان‌های انحرافی مهدویت در دوران معاصر، جامعه مهدوی، ۵(۹)، صص ۱۰۹-۱۳۵.

<https://doi.org/10.22081/JM.2024.68845.1097>

□ نوع مقاله: علمی - ترویجی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۲۲ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۸/۲۴

مقدمه و پیشینه

در دوران معاصر جریان‌هایی مانند: شیخیه، باییه، بهایه، یمانی و مانند آن با تصرف خودخواسته و دشمنانه، در پاره‌ای از احادیث سندی بر حقانیت ساختگی خود بر ساختند. این بازنمایی جایگاه تحریف در جریان‌های انحرافی، اگرچه کم‌وبیش در برخی از پژوهش‌ها و نگاشته‌ها روزآمد شده، اما به نظر می‌رسد در نگاهی جداگانه بتوان به برخی زوایای این نقش بیشتر پرداخت.

پیش از این و در واکاوی شماری از جریان‌های انحرافی، برخی از پژوهشگران و پژوهشکده‌های معاصر مانند پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تلاش‌های قابل توجهی انجام داده‌اند. از جمله: کتاب‌هایی مانند: به‌سوی انحراف (حجّامی، بی‌تا) که به‌طور عمده به نقل و نقد ادعاهای علی‌یاقوبی پرداخته است و همچنین کتاب نقد و بررسی جریان احمد اسماعیل (حجّامی، ۱۳۹۶) که در نقد و بررسی این جریان سامان یافته است.

البته صبغه نقل در این اثر بیشتر کلامی است. تمرکز این اثر بر ۴ مقال است: عصمت احمد؛ حدیث وصیت؛ استخاره و خواب.

کتاب‌های راه و بیراهه (آیتی، ۱۳۹۴) در نقد مدعی یمانی؛ کژراهه (۱۳۸۸) نوشته جمعی از نویسندگان، که در آن با پرداختن به موضوعاتی مانند مدعیان ارتباط با امام زمان (عجل‌الله‌تعالیه)، دکانداران عرفان‌های دروغی، مروجان عرفان‌های شرقی و غربی، شیطان پرستی، انرژی درمانی انحرافی و انواع و اقسام بازیگران این بازار مکاره انحراف و بدعت، مباحثی را مطرح کرده است.

از دیگر آثار می‌توان به کتاب درسنامه فرقه‌های انحرافی (حاج قلی، ۱۳۹۵) است که توسط مرکز تخصصی مهدویت قم، در قالب درس تدوین و منتشر شده و به نقد و بررسی فرقه‌های انحرافی شیخیه، باییه و بهائیت پرداخته است اشاره کرد. کتاب تأویل‌گرایی در انحرافات مهدویت، اثر محمدعلی فلاح علی‌آباد، (۱۴۰۰ق). کتاب/شباح انحراف (اسحاقیان، ۱۳۹۲) که به بررسی انحرافات تفسیری جریان‌های مدعی مهدویت در دوران معاصر پرداختند از دیگر آثار در این باره به شمار می‌آیند.

افزون بر کتاب‌ها، شماری از مقالات نیز در این باره نگارش یافته است مانند: مقاله بررسی و نقد شاخصه‌های تأویل‌گرایی در جریان‌های انحرافی مهدویت (وحیدی، ۱۳۹۵)؛ مقاله ترفندهای روان‌شناختی مدعیان دروغین مهدویت، در ایران معاصر، نوشته صفری فروشانی و کامیاب، (۱۳۹۵) که برجسته‌ترین یافته این نوشتار این است که مغزشویی، مظلوم‌نمایی، و ایجاد شخصیت کاذب، ترفند روان‌شناختی مدعیان است. که البته در پرتو تحریف و تأویل‌های نادرست حاصل می‌آید.

همچنین مقاله‌های بررسی ادعای ولادت مهدی موعود علیه السلام در آخرالزمان در روایت أم‌هانی با تأکید بر نقد ادعای بهائیت (رضانژاد و فلاح علی‌آباد، ۱۳۹۳)؛ نقد و بررسی ادله نقلی قادیانیه، در موعودانگاری غلام احمد قادیانی (رضانژاد و رضایی موسوی) و گونه‌شناسی ترفندهای بایان و بهائیان در روایات پیش‌گویی ظهور (فلاح علی‌آباد، ۱۳۹۶) از دیگر پژوهش‌های در این زمینه است.

بنابراین تا جایی که بررسی شده به‌طور مشخص با عنوان یادشده نوشته مستقلی صورت نپذیرفته است.

لذا برجسته‌ترین هدف پژوهش پیش‌رو تبیین این مبحث کلیدی است که اگرچه عواملی چند مانند سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی شخصی و شخصیتی، در شکل‌گیری جریان‌های انحرافی و مدعیان مهدویت نقش دارند، اما تحریف داده‌های موجود در اثبات مهدویت (اعم از تحریف لفظی و تحریف معنوی) و تأویل نادرست، در شکل‌گیری و استمرار این حرکت‌ها نقش کلیدی و بنیادین ایفا کرده است.

۱. چارچوب مفهومی بحث

پیش از پرداختن به بحث، بایسته است به واژگان بنیادین این نوشتار اشاره‌ای کوتاه شود:

۱-۱. تحریف

واژه «تحریف»، مصدر و در لغت از ریشه «حرف» به معنای گوشه، طرف و جانب

است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۴۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)، در تعریف واژه تحریف در سخن، آن را به معنای دگرگون ساختن سخن از معنای اصلی به معنای دیگری که با معنای اصلی همسانی فراوانی دارد، دانسته است. همان‌طور که یهودی‌ها معانی اصلی تورات را تحریف کرده و به معانی مشابه تفسیر می‌کردند (سوره نساء، آیه ۴۶).

با توجه به معنای لغوی، در اصطلاح نیز به هر نوع دگرگونی در معنا و ساختار کلام، تحریف گفته می‌شود. تحریف به‌طور معمول یا لفظی است و یا معنوی؛ در تحریف لفظی با افزودن یا کاستن یا جابه‌جایی یک یا چند کلمه، معنای یک گزاره تغییر می‌یابد و در تحریف معنوی بدون اینکه هیچ دگرگونی در ساختار و کلمات گزاره و کلام پدید آید، تفسیری وارونه و بی‌ربط با مقصود نویسنده یا گوینده، از آن عرضه می‌شود. در اینجا افزون بر تحریف لفظی و ظاهری، به تحریف معنوی و محتوایی نیز اشاره خواهد شد.

بنابراین حدیث تحریف‌شده از نگاه ما در اینجا حدیثی است که سند یا متن آن، به غیر از آنچه معصوم علیه السلام در نظر داشته، کم و یا زیاد شده و یا حرف و کلمه‌ای به جای دیگری نهاده شود.

۲-۱. جریان

واژه «جریان» در اصطلاح عبارت است از: «جمعیت مدیریت‌شده تأثیرگذار بر جامعه» (خسروپناه، ۱۳۹۹، صص ۹-۱۰) و هر جریانی باید دارای سه مؤلفه باشد: (۱) باید جمعیتی وجود داشته باشد؛ (۲) این جمعیت باید مدیریت‌شده باشد؛ (مدیریت ممکن است از سوی یک نفر یا چند نفر باشد)؛ (۳) در نهایت جریان باید بر جامعه تأثیر بگذارد (خسروپناه، ص ۹) به بیان دیگر جریان، حرکتی است که در جامعه و بر پایه سنجه‌های ویژه‌ای شکل بگیرد و دگرگونی‌هایی را با خود به همراه دارد.

۳-۱. معاصر

درباره بازه زمانی «معاصر» که به معنای هم‌عصر به کار می‌رود سخن روشن و

مورد اتفاقی در دست نیست. در اینجا مقصود ما حدود دو سده گذشته است. لازم به توضیح است که معاصر بودن دارای معنای نسبی است و در نتیجه قصد فرد می‌تواند محدوده زمانی آن جابجا شود، به همین سبب در این اثر به دو سده واپسین معاصر اطلاق می‌شود.

۲. پیشینه تحریف در مهدویت

همان‌طور که پیش از این اشاره شد تحریف و تأویل نه فقط در حدیث، تاریخچه‌ای به درازای خود حدیث دارد. که پیش از آن به‌عنوان آسیبی جدی دامنگیر همه آموزه‌های وحیانی شده بود؛ به‌ویژه دو کتاب آسمانی تورات و انجیل از این آفت به‌سختی آسیب دیده است (سوره بقره، آیه ۷۵ و ۷۹، سوره آل عمران آیه ۷۸، سوره مائده، آیه ۱۳).

اما در حدیث عموم گستره‌های دینی را در بر گرفته است و در این میان به‌ویژه احادیث اعتقادی دست‌خوش این دگرگونی‌ها شده است. از جمله می‌توان به مباحث مهدویت اشاره کرد.

به‌عنوان مثال حدیثی که در آن افزوده «و اسم ایبه اسم ابی» سبب دگرگونی روایت شده، بالاترین نقش را در انحراف از مهدویت راستین داشته و بی‌گمان این دگرگونی که در منابع اهل سنت پدید آمده، همه باور شیعیان امامیه در فرزند امام حسن عسکری علیه السلام بودن مهدی علیه السلام را به جدال کشیده است.

در تحریف و افزودن فراز «اسم ایبه اسم ابی» (ابن حماد، ۱۴۱۴ق، صص ۲۵۸ و ۲۶۰) ردپای جریان سیاسی - تاریخی دیده می‌شود و آن قیام محمد بن عبد الله بن حسن، معروف به نفس زکیه است که وی به گونه‌ای آشکار، مدعی مهدویت شد و از این طریق می‌خواست که پایه حاکمیت خود را استوار سازد و طرف‌دارانی را برای خود گردآورد، و هیچ بعید نیست که برای رسیدن به این هدف، چنین اضافه‌ای را بر حدیث افزوده باشد (اکبرنژاد، ۱۳۸۶، ص ۲۳۳).

سید محمد کاظم قزوینی از اندیشوران معاصر شیعی با تأکید بر تحریف در روایت یادشده با اشاره به اینکه تحقیق در این حدیث گویای آن است که روایت یادشده از

«زر بن حبیش» با سندهای پرشمار در دسترس است تأکید کرده در آن بخش «و اسم ایبه اسم ابی» نیست و این خود دلالت می‌کند که این بخش از تصرفات روای به نام «زائده» است (قزوینی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۳).

وی پس از آن با اشاره به فراوانی روایت‌های نقل شده از پیامبر ﷺ درباره مهدی که فاقد بخش «و اسم ایبه اسم ابی» است این روایت را نقل کرده است که: عن ابی داود، عن زائده، عن عاصم، عن زر، عن عبدالله، عن النبی ﷺ انه قال: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد، لطول الله ذلک الیوم، حتی یبعث الله رجلاً منی - من اهل بیتی - یوطیء اسمه اسمی (واسم ایبه اسمی) یملاء الارض قسطاً و عدلاً، کما ملئت ظلماً و جوراً» (قزوینی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۳) و در آن بخش افزوده وجود ندارد.

نکته اساسی اینکه اگرچه تحریف روایت یادشده با هدفی شوم از سوی جریان نام‌برده صورت گرفت اما در نهایت این روایت ساختگی بود که در خدمت این انحراف، انسان‌های ناآگاه و ساده‌لوح را برای پذیرش آن جریان متقاعد می‌کرد.

نکته دیگر اینکه در پیوند میان تحریف و جریان‌های انحرافی یک ارتباط دوسویه وجود داشت. نخست اینکه این جریان‌ها در این برساختن و دگرگونی و دستبرد نقشی کلیدی داشتند و دیگر اینکه در مرحله پس از آن این احادیث تحریف شده بود که به یاری سازندگان خود برای ادعای دروغین می‌آمدند. و البته تأکید می‌شود این دستبردها به‌طور عمده بنیان‌های کلیدی مهدویت را مورد هجوم قرار می‌داد اگرچه هرچه به دوران معاصر نزدیک می‌شویم مباحث عمومی را نیز مبتلا کرده است.

نمونه دیگر تحریف که در دوران نخست طرح مباحث مهدویت، یکی دیگر از بنیان‌های مهدویت را هدف قرار داد، وضع و یا تحریف احادیث در راستای جابجایی انتساب مهدی موعود ﷺ از امام حسین ﷺ به امام حسن ﷺ است. چه اینکه مهدی موعود ﷺ در میان همه شیعیان امامیه و برخی اهل سنت، از نسل و فرزندان حسین بن علی ﷺ دانسته شده است و برای آن روایات پرشماری به‌عنوان مستند و دلیل آورده شده است، از آنها می‌توان به بشارت و خبری که پیامبر اکرم ﷺ به امیر مؤمنان حضرت

علي عليه السلام داد و به‌طور روشن مهدی عليه السلام را از نسل وی و از فرزندان حسین عليه السلام دانست، اشاره کرد (نعمانی، ۱۳۶۲، ص ۳۵۷) امام حسین عليه السلام نیز در حدیثی مهدی عليه السلام را نهمین فرزند خود معرفی کرده است (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۱، باب ۳۰، ص ۳۱۷، ح ۳).

این دستکاری خودخواسته و دشمنانه البته اختصاصی به زمان حضور معصومان عليهم السلام نداشت، بلکه در همه دوره‌ها کم‌وبیش رخ داده است. حتی در دو سده گذشته که به نظر می‌رسد با گسترش صنعت چاپ و فراوانی نسخه کتاب‌ها که دست‌اندازان رو می‌شود و این دست‌کاری جز رسوایی در پی نخواهد داشت همچنان کسانی دست به تحریف احادیث زده در پی اثبات حقانیت خود بوده‌اند. و البته این تحریف به‌طور عمد به دو نوع انجام می‌گرفت. گاهی با ایجاد دگرگونی در کلمات و الفاظ احادیث و گاهی نیز با تصرف در مضمون و محتوای حدیث.

۳. تحریف در دوران معاصر

۳-۱. تحریف

تحریف در احادیث به‌طور عمد به دو نوع شکل می‌گیرد نخست: تحریف لفظی، که بیشترین نوع تحریف است. و دوم: تحریف معنوی، که پیچیده‌تر از نوع نخست است.

۳-۱-۱. تحریف لفظی

مقصود از تحریف لفظی در اینجا دگرگونی از سر عمد در واژگان و کلمات حدیث برای رسیدن به مقاصد مورد نظر است. به گونه‌ای که مضمون و محتوا را تغییر دهد (مامقانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳۷) که نتیجه آن در احادیث مهدوی، انحراف در مباحث مهدویت است.

برخی از مصادیق آشکار تحریف لفظی در جریان‌های انحرافی به این شکل است:

۳-۱-۱-۳. تحریف لفظی برای اثبات باییت و بهاییت

جریان انحرافی بهاییت برای اثبات ادعای خود، نیازمند اثبات حقانیت دعوت

علی محمد شیرازی بودند که این هدف با وقت گذاری سال ظهور مهدی موعود عجله و تطبیق آن با ظهور علی محمد شیرازی به دست می آمد؛ از این رو حسین علی نوری (بهاء) با استناد به حدیثی که نزد بهائیان مشهور به «سنه ستین» است، در پی وقت گذاری سال ظهور امام زمان عجله برآمده است، ایشان حدیث را به این شکل بیان می کند: فی حدیث مفصل «سَأَلْتُ عَنْ الصَّادِقِ فَكَيْفَ يَأْتِي فِي ظَهْرِهِ؟ فَقَالَ عجله: فِي سَنَةِ السِّتِينَ يَظْهَرُ أَمْرُهُ وَيَعْلَمُوا ذِكْرَهُ» از امام صادق عجله در مورد زمان ظهور پرسیده شد، امام صادق عجله پاسخ داد، در سال شصت، امر آن حضرت ظاهر شود و ذکر ظهورش انتشار و استعلا یابد». باری، تحریر است از این عباد که چگونگی این اشارات واضحه لائحه از حق احتراز کرده اند (نوری، ۱۳۷۷، ص ۱۵۵).

حسین علی نوری «سنه ستین» را اشاره به سال ۱۲۶۰ هجری قمری می داند؛ یعنی هم زمان با مرگ سید کاظم رشتی و ادعای باییت علی محمد شیرازی، او با این پیش فرض می خواهد مهدویت علی محمد شیرازی را اثبات نماید و سال ظهور مهدی موعود عجله را تعیین و به این شکل با سال پیدایش علی محمد شیرازی تطبیق کند.

اما نکته مهم این است که حسین علی بهاء با تقطیع و تحریف، این روایت را نقل کرده و مدعی ذکر تعیین سنه ظهور قائم موعود در روایات می شود در حالی که روایت در صدد نفی توقیت و تعیین زمان ظهور است. حقیقت این است که جمله (فِي شُبْهَةِ لَيْسَتَيْنِ)، (حلی، ۱۳۷۹، ص ۴۳۵) به (سنه ستین) تحریف شده است تا آن را با سال وقوع ادعای دروغین علی محمد شیرازی منطبق کند (پرهیزگار، ۱۳۹۵، صص ۲۱۸ - ۲۲۰).

با این توضیح روشن است حدیثی که در ایقان نقل شده است، تقطیع شده و بخشی از سخنان امام صادق عجله درباره زمان ظهور و پدیده های هنگام ظهور حذف شده است که اگر به آنها پرداخته شود، شکی در بطلان ادعای مهدویت علی محمد شیرازی باقی نمی ماند؛ این به طور مشخص مصداق تحریف است.

از جمله تحریف‌های لفظی صورت گرفته در این جریان می‌توان به این اشاره کرده که آن‌ها روایتی که در آن تعبیر «فإن فيها خليفة الله المهدي» وارد شده است (کاظمی، بشارة الإسلام في علامات المهدي عليه السلام، ص ۴۹؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۲۷۷؛ ابن منادی، الملاحم، ص ۱۹۴) را تحریف کرده، کلمه «الله» را حذف و به شکل (فإنه خليفة المهدي) آورده و بدان تمسک کرده‌اند تا با ادعای احمد الحسن که خود را جانشین امام مهدی می‌داند، مطابق شود (احمد الحسن، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۲۲۸ س ۱۴۴ به نقل از بشارة الاسلام) که در واقع این کار نیز نوعی تحریف آشکار در روایت به شمار می‌آید.

نکته مهم اینکه این حدیث در آثاری چون: التشریف بالمنن، سیدبن طاووس، (ص ۱۱۹)؛ کشف الغمّه، اربلی، (ج ۲، ص ۴۷۲)؛ اثبات الهداه، شیخ حر عاملی، (ج ۵، ص ۲۲۵)؛ بحار الانوار، مجلسی، (ج ۵۱، ص ۸۲) به شکل «خليفة الله المهدي» آمده است.

همو در کتاب جواب المنیر در پاسخ به پرسشی درباره سوره قدر ضمن تغییر متن آیه: «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ»؛ به جای «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» عبارت «بِكُلِّ أَمْرٍ» را می‌آورد (احمد الحسن، ۱۴۳۲ق، ج ۲، ص ۱۶۱) و می‌گوید این قرائت درست است و ادعا می‌کند پیامبر صلی الله علیه و آله آیه را با این عبارت خوانده است.

البته در جای خود بسیاری از بزرگان به ادعای تحریف قرآن به شکل مفصل پاسخ داده‌اند (مفید، ۱۳۷۲، صص ۵۴ - ۵۶).

۳-۱-۲. تحریف معنوی

همان‌طور که اشاره شد اگرچه تحریف به‌طور عمده بر روی الفاظ و کلمات تحقق پیدا می‌کند، اما گاهی نیز بدون آنکه لفظی جعل یا تحریف شود، نسبتی نادرست به آموزه‌های معصومین علیهم السلام داده می‌شود که می‌توان نام آن را جعل و یا تحریف معنایی گذاشت.

بنابراین تحریف معنوی آن است که در ظاهر الفاظ دگرگونی ایجاد نمی‌شود اما در برداشت، تحلیل و یا تأویل به شکلی عرضه می‌شود که اهداف پشت پرده تحریف‌کننده را تأمین نماید.

نمونه‌های این تحریف در مباحث مهدویت کم‌وبیش در همه دوره‌ها دیده می‌شود، که در اینجا به برخی نمونه‌های مربوط به دوران معاصر اشاره می‌شود.

۳-۱-۲-۱. تحریف معنوی در بابیه و بهائیه

از نمونه‌های تحریف معنوی، تحریفی است که بهائیت درباره امر جدید کرده است. علی محمد باب که مدعی مهدویت و سپس نبوت بود، با استناد به این روایت، آموزه‌ها و عقاید ناصحیح خود را به‌عنوان «دین جدید» مطرح کرد؛ مبنی بر اینکه چون وی دارای امامت و نبوت است، دین جدیدش هم نسخ‌کننده اسلام است (سهراب، بی‌تا، صص ۳۲۹-۳۴۰).

پیش از روشنگری درباره این تحریف لازم است بدانیم روایاتی، ظهور حضرت مهدی (عج) را با «امر جدید» (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۸۴) یا «کتاب جدید» (نعمانی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۹۴) دانسته است.

به نظر می‌رسد سخن جامع درباره امر جدید را بتوان در نگاشته اندیشمند معاصر سید محمد صدر جست که وی منظور از «امر جدید» را یکی از معانی زیر دانسته است:

- امر (مفرد أوامر) به معنی قانون‌گذاری و دستور است. در این صورت منظور از امر جدید اشاره به احکام و دستورهای نویی است که تا پیش از ظهور شناخته شده نبوده و امام (عج) در دولت خود آنها را آشکار خواهد فرمود.

- امر به معنی باور یا رویکرد فکری است. این واژه در برخی روایات به همین معنی آمده است؛ بنابراین منظور از امر جدید، اشاره به سطح جدید و ژرفی از فکر و بینش است که امام (عج) در دولت خویش آن را آشکار خواهد کرد.

- امر به معنی امارت، امامت یا خلافت است؛ واژه امر در شماری از روایات به همین معنا آمده است. «امر جدید» در این معنا، شبیه تعبیر روایی «سلطان جدید» می‌باشد؛ جز آنکه سلطان بر پایه معنای عرفی‌اش، دربرگیرنده قوانین کلی می‌باشد. اما امارت، توصیفی است برای شخص امیر و فرمانده و ناگفته پیداست که امارت و فرماندهی امام مهدی (عج) شکلی نو از امارت می‌باشد که پیش از آن حتی در دولت نبوی (ص) نیز سابقه

نداشته است. به طور مثال پیامبر خدا ﷺ با منحرفان و منافقان با مدارا و نرمی برخورد می کرد، اما امام مهدی ﷺ با آنها به شدت برخورد خواهد کرد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ اعلان برخی از احکام واقعی را به تأخیر انداخت؛ ولی امام مهدی ﷺ همه احکام را اعلام خواهد کرد. آن حضرت در منطقه ای محدود، حکومت خویش را تشکیل داد در حالی که گستره دولت حضرت بقیة الله ﷺ، همه پهنای زمین است. درباره جدید بودن امارت و حکومت آن حضرت، کافی است بدانیم دولت او جهانی ماست، چیزی که در تاریخ بشر هرگز سابقه نداشته است (صدر، ۱۳۸۴، ص ۳۸۹).

این در حالی است که در تأویلات بهائیت «امر جدید»، به معنای این است که قائم آیینی جدید؛ یعنی آیین بابت و بهائیت را پایه ریزی می کند (شیرازی، بی تا، ص ۲۹). آنچه که امروزه همه اندیشوران بر آن تأکید می کنند این است که امر جدید هرگز به معنای دین جدید نیست.

یکی دیگر از تحریف های انجام گرفته این تحریف است که بهائیت در آیه ای که پیامبر اسلام ﷺ را خطاب می کند که «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ وَإِنَّهُ لَشَذَرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ» (الحاقه، ۴۵ - ۴۶) ... می گویند بر پایه این آیه اگر باب و بهاء الله باطل بودند خداوند آنها را می کشت. چون باب در مدت هفت سال و بهاء حدود چهل سال به همین برهان متمسک بودند، به ویژه بهاء الله که الواح فراوانی که شمار آن را برخی مورخین افزون بر هزار نوشته اند، به روشنی گفته که این کلمات، کلمات الهیه است و این صحف آیات سماویه از خود نمی فرماید و بغیر ما اذن الله تکلم نمی کند (گلپایگانی، ۲۰۰۱، ص ۲۵) و استدلالشان این است: حالا که خدا رگ حیات باب و بها را قطع نکرد، پس معلوم می شود گفته های اینان بر حق بوده است.

البته این استدلال بسیار سستی است چرا که قرار نیست هر کس ادعای واهی کرد و خداوند او را کیفر نداد و از بین نبرد پس او بر حق است. اگر چنین بود بایسته بود همه مدعیان دروغین تاریخ نابود شوند و یا اینکه همه مدعیان دروغین برحق هستند زیرا

نابود نشده‌اند.

این بهره‌مندی البته از سوی دیگر مدعیان دروغین انجام گرفته است نمونه دیگر احمد اسماعیل بصری و هوادارانش هستند که برای تقویت و تأییدی بر حدیث لوح و برحق جلوه‌دادن ادعاهای خود بر همین آیه چنگ زده از آن به‌عنوان دلیل عقلی برداشت می‌کنند و مدعی هستند که اهل باطل نمی‌توانند ادعایی را به ناروا به خداوند نسبت دهند، از این رو در یکی از نوشته‌جات از قول احمد بصری می‌گوید:

«چون این وصیت، عاصم من الضلال (نگهدارنده از گمراهی) است، خداوند باید از آن محافظت کند و اجازه ندهد که مدعی دروغین به آن دست اندازی کند. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ»؛ همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَدَّعِيهِ غَيْرُ صَاحِبِهِ إِلَّا بَتَرَ اللَّهُ عُمُرَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۷۳)؛ بر اساس این آیه و روایت، اهل باطل نمی‌توانند ادعایی را به ناروا به خداوند نسبت دهند (احمد الحسن، ۱۴۳۳ق، صص ۲۱-۱۹).

نکته قابل تأمل اینکه در متن حدیث وصیت عبارت «ایتونی بدواه و بیاض لا کتب لکم کتابا لن تضلّوا بعدی» ذکر شده که محل تکیه جریان احمد اسماعیل در عاصم من الضلال بودن آن است، و پاسخ همان است که گفته شد که اگر چنین بود همه مدعیان دروغین تاریخ بر حق بودند زیرا بسیاری از آنها تا آخر عمر بر راه باطل خود پافشاری می‌کردند.

۳-۲-۱. تحریف معنوی در قادیانیه

یکی از دیگر مدعیان مهدویت، غلام احمد قادیانی است. وی در سال ۱۸۳۹ میلادی در روستای قادیان در پنجاب هند به دنیا آمد. پیروان او را «قادیانیه» یا «احمدیه» گویند که غلام احمد را مسیح موعود می‌پندارند، این گروه در سال‌های واپسین، فعالیت‌های تبلیغی خویش را گسترش داده و از راه رسانه‌ها، از جمله چند شبکه ماهواره‌ای، به نام «MAT» و ده‌ها سایت اینترنتی، در ترویج افکار غلام احمد تلاش کردند، اینان به انکار ظهور شخص مسیح به‌عنوان یک شخصیت در کنار مهدی موعود علیه السلام رو

آورده‌اند. آنها بر این باورند مسیح و مهدی یک شخص است که به اعتبار نقش و جایگاهش، گاهی در اسم و صفت مهدویت و گاهی در اسم و صفت مسیحیت معرفی شده است.

غلام احمد ادعای عیسویت و مهدویت خود را بارها در کلماتش تکرار می‌کند. گاهی در این زمینه از تجلی روح عیسی علیه السلام در خود، سخن به میان آورده و گاهی به صراحت خود را عیسی و مهدی معرفی می‌کند و می‌نویسد: «اسمعوا، یا سادة - هداکم الله إلى طرق السعادة - أني أنا المُسْتَفْتِي وأنا المدعی. وما أتکلم بحجاب بل أنا علی بصيرة من ربّ وهاب. بعثني الله علی رأس المائة، لأجدد الدین وأنور وجه الملة، وأکسر الصليب وأطفئ نار النصرانية، وأقیم سنة خیر البرية، ولأصلح ما فَسَدَ، وأروج ما کَسَدَ. وأنا المسيح الموعود والمهدی المعهود من الله علی بالوحي والالهام، وکلمني کما کلم برسله الکرام، وشهد علی صدقی بآیات تشاهدونها، وأری وجهي بأنوار تعرفونها. «بشنوید ای آقایان!... خداوند مرا در رأس صد سال بر انگیزخته است برای اینکه دین را تجدید کرده و چهره آن را نورانی سازم، صلیب را شکسته و آتش مسیحیت را فروشانم و سنت پیامبر اسلام را اقامه نمایم، فاسد را اصلاح و آنچه را کنار گذاشته شده است، ترویج کنم. من مسیح موعود و مهدی معهود هستم. خداوند با وحی و الهامش، بر من منت نهاد و مانند دیگر پیامبران گرامی‌اش، با من سخن گفت...» (قادیانی، ۲۰۰۸م، ج ۲۲، ص ۶۴۱).

وی در سخنان خود بر این باور تأکید می‌کند که وظیفه اصلاح مسلمین و حکم به قرآن در قالب مهدویت و نقش ابطال مسیحیت و ارشاد مسیحیان در قالب عنوان مسیح محقق می‌شود (سیالکوتی، ۱۳۸۰ق، ص ۴۰).

از علامت‌هایی که درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام در برخی روایات نقل شده، و قادیانی از آن دلیلی دیگر بر صدق ادعای مهدویت غلام احمد از آن یاد می‌کنند، «ظهور دجال» در آخر الزمان است و قادیانی معتقدند این علامت در زمان غلام احمد، محقق شده است.

توضیح این که قادیانی با تحریف معنوی روایات ظهور دجال، منظور از آن احادیث

را فرد خاصی ندانسته، بلکه می‌گویند مصداق روایات مذکور، گروه‌های مسیحی غربی هستند که با شعار کمک به مسلمین و آبادانی سرزمین آنها به استعمار کشورهای مسلمانان دست زده‌اند. حال که هندوستان مستعمره انگلستان بوده و مورد هجوم فرهنگی گروه‌های غربی و مسیحی قرار گرفته است، در حقیقت مورد هجوم دجال واقع شده و باید منجی و مصلح زمان برای مقابله با این دجال، ظهور کند و آن مصلح نیز کسی جز غلام احمد قادیانی نیست!

این برداشت آنها، از آن روست که اوصافی که از دجال در احادیث دیده می‌شود، با این گروه‌ها قابل تطبیق است؛ به‌طور مثال درباره وسیله حمل و نقل دجال، از حماری سخن گفته شده که فاصله بین دو گوش او چهل ذراع است و از بینی او دود بیرون می‌آید و با سرعت زیادی راه‌های آسمان و دریا و زمین را طی می‌کند (ابن حماد، ۱۴۱۴ق، ج ۱، صص ۳۳۱-۳۳۳).

بی‌گمان آنچه در این تأویل رخ داده است تحریف معنوی است که در شکل‌گیری قادیانیه نقش داشته است.

۳-۱-۲-۳. تحریف معنوی در جریان احمد الحسن

از تحریف‌های معنوی انجام گرفته در احادیث مهدویت می‌شود به موارد زیر اشاره کرد.

نخست، حذف کلمه «الله» در تبیین آیه ۱۰۱ سوره بقره و قراردادن کلمه «المهدی» به جای آن است، بدین‌نوع آیه را تحریف کرده‌اند که: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ»، (و آن هنگام که فرستاده‌ای از جانب خداوند بر آنها مبعوث شد) فرستاده‌ای از سوی امام مهدی ... «مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ»، (که آنچه را نزدشان بود تصدیق می‌کرد) ... و رسول را از جانب امام مهدی علیه السلام دانسته است (احمد الحسن، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۲۳؛ و ج ۴، صص ۷۸-۸۶)؛ زیرا وی، خود را فرستاده حضرت مهدی علیه السلام معرفی می‌کند، که پیش از آمدن حضرت مهدی علیه السلام، قیام می‌کند؛ همچنین «شَجَرَةُ مُبَارَكَةِ رَيْثُونَةِ» در آیه نور را اشاره به شخص واحد در زمان امام مهدی علیه السلام دانسته و آن شخص مهدی اول خواهد بود؛ همچنین

تعبیر قرآنی «امت وسط» در آیه ۱۴۳ بقره و «صلات وسطی» در آیه ۲۳۸ بقره به مهدی اول تأویل شده است (احمد الحسن، ۱۴۳۱ق، ص ۱۱۹).

البته این از مصادیق روشن تحریف است که در راستای اثبات احمد، انجام پذیرفته است. و در روایات پرشماری آمده است که هر کس که قرآن را به میل خود تفسیر به رأی کند به پروردگار افترا زده، جایگاه خود را در آتش خواهد دید. در این باره شیخ صدوق با ذکر سند از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل کرده که فرمود: «مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ يَغْيِرُ عِلْمَ فَلْيَسْبُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» (شیخ صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۹۱).

دستبرد در حدیثی از امام صادق (ع) یاد کرد که درباره زمان فرج شیعیان چنین فرمود: «إِذَا اخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَ هِيَ سُلْطَانُهُمْ، وَ طَمِعَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ يَكُنْ يَطْمَعُ وَ خَلَعَتِ الْعَرَبُ أَعْيُنَهَا، وَ رَفَعَ كُلُّ ذِي صَبِيصَةٍ صَبِيصَتَهُ ...»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۲۵، نعمانی، ۱۳۶۲، ص ۱۴۲). فرج زمانی می‌رسد که فرزندان عباس اختلاف پیدا کردند، و سلطنتشان (رو به زوال رفت و) تباه شد و در (برانداختن آنها) کسانی که در آنها طمع نمی‌کردند، در آنها طمع کنند و عرب لجام خویش را پاره کند، (در یمن و یسار و چپ و راست تاختند) و هر صاحب پرچمی، پرچمش را بلند کرد ...

جریان احمد الحسن در این روایت مرتکب تحریف روشن شده و برای نشانه‌سازی برای ظهور یمانی، (احمد الحسن) دو قسمت روایت را دست‌کاری می‌کند:

نخست اختلاف در فرزندان عباس را به اختلاف حاکمان، تحریف می‌کند و سپس تعبیر «خلعت العرب اعینها» را که به معنای باز کردن لگام دانسته آن را به کوتاه کردن دست حاکمان از حکومت، تحریف کرده و آن تعبیر را به معنای «خلعت العرب حکامها» دانسته است (طرفداران احمد، بی‌تا) جزوه ادله جامع دعوت یمانی، ص ۱۱).

صرف نظر از اعتبار این دست روایات، ظهور واژگان سخن بر عباسیان را نمی‌توان بر هر دوره و حاکمانی حمل کرد و دیگر اینکه تعیین مصداق برای این کوتاه کردن دست حاکمان، بسی مشکل می‌نماید؛ چرا که به روشنی نمی‌توان حاکمیتی را در دوران مدعی یادشده به عنوان نمونه مطرح کرد.

یکی دیگر از تحریف‌های روشنی که هواداران مدعی یمانی مرتکب شده‌اند سخنی

است که ناظم العقیلی از سطح کاهن نقل کرده است: در یکی از فقرات خبر سطح کاهن در خبری طولانی در کتاب بشاره الاسلام به نقل از بحار الانوار پس از بیان برخی اتفاق‌های پیش از قیام امام مهدی آمده است: «... فعندها يظهر ابن المهدي» و این به صراحت دلالت دارد که قبل از قیام امام مهدی، پسر امام مهدی ظاهر می‌شود و این پسر همان است که در دعا‌های اهل بیت علیهم‌السلام بر او تأکید شده و او اولین مهدیین از فرزندان امام مهدی است، همان نوع که اخبار بر آن تصریح کرده است (عقیلی، بی‌تا، ص ۱۵).

افزون بر اشکال بنیادین اینکه این سخن به این شکل از معصوم نقل نشده و از اعتبار ساقط است در عین حال بر ادعای احمد نیز دلالت نمی‌کند؛ زیرا تحریف در سخن اصلی رخ داده است.

نخستین منبعی که بخشی از عبارت‌های این خبر را ذکر کرده است، کتاب الملاحم ابن منادی (۳۳۶ ق) - اثر یکی از محدثان اهل سنت است (ابن منادی، ۱۴۱۸ ق، ص ۵۱)، با این توضیح که عبارت مورد نظر در این کتاب نقل نشده است. در میان دانشمندان شیعه نخستین کسی که آن را نقل کرده بررسی، در کتاب مشارق انوار الیقین است (حافظ بررسی، ۱۴۲۲ ق، ص ۲۰۰).

مجلسی متن کامل سخن را این‌طوری آورده است: «فعندها يظهر ابن النبی المهدي» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵۱، ص ۱۶۳) در آخر الزمان فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یعنی حضرت مهدی علیه‌السلام ظهور خواهد کرد، که این سخن هماهنگ با باور مسلمانان است.

برخی از مبلغان این گروه با طرح این ادعا که شاید در نسخه‌های خطی عبارت «ابن المهدي» باشد و در نسخه موجود نزد صاحب کتاب بشاره الاسلام نیز عبارت «ابن المهدي» بوده است. این گروه نه فقط دلیلی بر این مدعا ذکر نمی‌کنند و نسخه‌ای که چنین عبارتی داشته باشد در اختیار ندارند بلکه با توجه به اینکه عبارت بشاره الاسلام از بحار الانوار بوده است و در همه نسخه‌های بحار الانوار و مشارق انوار الیقین ابن النبی المهدي آمده است، تردیدی در اشتباه این گروه باقی نمی‌ماند اگرچه ممکن است برخی الفاظ نقل شده در بحار الانوار و مشارق انوار الیقین با یکدیگر تفاوت داشته

باشند اما از قضا در این عبارت، هیچ نسخه‌ای با نسخه دیگر تعارض و تفاوت ندارد (یوسفیان و شهبازیان، ۱۳۹۲).

از دیگر تحریف‌های معنوی در جریان احمد می‌توان به این نمونه اشاره کرد. وی درباره: «قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»؛ می‌گوید «قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» پس وای بر منتظران، پس هر فرستاده‌ای از جانب خداوند، آن کسانی که قبل از او از پیامبران و فرستادگان و ائمه آمده‌اند، به او بشارت می‌دهند و عده‌ای از مؤمنان یافت می‌شوند که منتظر آن هستند ... با اینکه علمای شیعه منتظر او هستند، امروز با او مبارزه می‌کنند (احمد الحسن، ۱۴۳۱ق، ج ۱، بخشی از پاسخ پرسش ص ۲۰).

البته این مورد را می‌توان "تفسیر به رأی" نیز دانست که هر کدام تحریف یا تفسیر به رأی کاری بس ناشایست است.

۳-۱-۲-۴. تحریف معنوی توسط علی یعقوبی

یکی از جریان‌هایی که در سال‌های پایانی دهه هفتاد شمسی شکل گرفت و هنوز هم کم‌وبیش به حیات خود ادامه می‌دهد و دایره فعالیت خود را گسترش داده و به برخی شهرستان‌ها نیز کشانده، جریان‌ی است که با محوریت آقای علی یعقوبی شکل گرفته است.^۱

صرف نظر از اینکه علی یعقوبی کیست؟ نکته برجسته ادعاهایی است که از سوی او عموماً در قالب سخنرانی مطرح شده است. حاصل این سخنرانی‌ها به شکل جزوه‌هایی با عنوان «نظام عالم» (۸۵ جزوه)، «نظام بشر» (۴۴ جزوه)، «به‌سوی ظهور» (۲۰ جزوه) و نیز کتابی با نام چهل شب با کاروان حسینی (حدوداً پانصد صفحه) و جزوه‌ای با عنوان «بهشت ظهور» منتشر شده است.

۱. لازم ذکر اینکه درباره علی یعقوبی و جریان انحرافی شکل گرفته توسط وی برخی از پژوهشگران تحقیقات گسترده‌ای سامان داده‌اند که از آنها می‌توان به اثری با نام به‌سوی انحراف اشاره کرد. این کتاب نگاشته حسین حجامی از پژوهشگران معاصر توسط پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی چاپ شده است. البته این کتاب به شکل محدود و فقط برای پژوهشگران چاپ و منتشر شده است. که در این کتاب از کتاب یادشده استفاده شده است.

او در بیشتر سخنرانی‌های خود ادعا می‌کرد مطالبی که بیان می‌کند در تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام گفته نشده (یعقوبی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲) و این سخنان حتی برای علمای شیعه نیز تازگی دارد و آنان از آوردن مانند آن یا تکمیل آن ناتوان‌اند. وی همچنین معتقد است: «هیچ فقیهی در میان شیعه وجود نداشته و کسی غیر از خودش، جایگاه واقعی فقه در نظام معارف اسلامی را نمی‌داند» (یعقوبی، بی‌تا، جیم، جلسه ۳، ص ۱۴).

یکی از برجسته‌ترین تحریف‌های معنوی یعقوبی، آن است که برپایی عدالت، یکی از موانع ظهور امام زمان علیه السلام است. او می‌گوید: «اگر قرار باشد قسط و عدل حاکم شود، همان بهتر که ظهور امام زمان علیه السلام واقع نشود (نظام بشر، جلسه ۱۲، ص ۴). بنده با قاطعیت عرض می‌کنم اگر امام زمان علیه السلام بخواهد دنبال قسط و عدل باشد، من یکی برای ظهور ایشان دعا نمی‌کنم» (یعقوبی، بی‌تا، باء، جلسه ۱۵، ص ۶). استدلال وی برای اثبات این ادعا نیز شنیدنی است، او می‌نویسد:

عزیزان من! هیچ‌گاه در زمین طالب قسط و عدل نباشید؛ چون شما در دعا می‌خوانید: «الهی عاملنا بفضلک و لا تعاملنا بعدلک»: خدایا با فضل‌ت با ما رفتار کن، نکند با عدالت با ما رفتار کنی. جناب آقای شیعه! شما که این دعا را می‌کنی، چطور می‌گویی که اگر امام زمان علیه السلام بیاید، زمین را پر از عدل می‌کند. بنده سؤال می‌کنم که آیا شما تحمل عدل امام زمان علیه السلام را داری؟ عدل امام زمان علیه السلام یعنی شکنجه‌گاه تمام انسان‌ها، از جمله شیعیان. کدام یک از من و شما می‌توانیم تحمل کنیم؟ (همان، جلسه ۱۲، ص ۴).

او در توجیه روایاتی که از عدالت حضرت مهدی علیه السلام سخن به میان می‌آورند، تمرینی بودن روایات مربوط به ظهور را مطرح می‌کند (همان، ص ۴ و جلسه ۱۵، ص ۵-۶). این جریان‌ها و مدعیان کوچک و بزرگ اگرچه به انگیزه‌های گوناگونی دست به چنین کاری دست زدند اما نتیجه همه آنها خروج از مسیر اصلی سفارش شده از سوی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بود. و البته پرداختن به همه آنها نه چندان میسر و نه بایسته می‌نماید که اشاره به برخی از معروف‌ترین آنها ما را در اثبات مدعا کفایت خواهد کرد.

نتیجه گیری

در درازای تاریخ به موازات جریان حق، جریان‌هایی از باطل شکل گرفته که همواره انگیزه آنها بهره‌مندی از دنیا در شکل‌های گوناگون خود اعم از کسب ثروت، جایگاه اجتماعی و دیگر خواسته‌های نفسانی بوده است. این جریان‌سازی و ادعای دروغین اختصاصی به دوران انبیای الهی و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نداشته و در همه دوره‌ها بروز و ظهور داشته است. در دوران معاصر (حدود ۲۰۰ سال گذشته) نیز کسانی با استفاده از جهل مردم به دروغ ادعاهایی را مطرح کرده‌اند که برجسته‌ترین آنها باییه، بهاییه، قادیانیه و در دوران حاضر جریان مدعی یمانی است.

برآیند سخن در این نوشتار دو نکته بنیادین است:

۱) این جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین بسان گذشتگان خود با تحریف روایات مهدویت در پی دست‌وپا کردن مستندات برای اثبات حقانیت‌پنداری خود بوده‌اند.

۲) اینان نه فقط برای شکل‌گیری، بلکه برای استمرار و ادامه بقای خود، همواره دست به تحریف زده مخاطبان خود را دچار سردرگمی و انحراف کرده‌اند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آیتی، نصرت‌الله. (۱۳۹۴). راه و بیراهه. قم: بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.
۲. آیتی، نصرت‌الله؛ کریمی، مرتضی. (۱۳۹۷). بررسی برداشت‌های قرآنی احمد الحسن بصری با تأکید بر تطبیق متعارض با دلایل عقلی و نقلی. فصل‌نامه علمی - پژوهشی انتظار موعود، ۱۸(۶۰)، صص ۱۱۹-۱۳۷.
۳. ابن حماد، نعیم. (۱۴۱۴ق). الفتن. بیروت: دار الفكر لطباعه و النشر و التوزیع.
۴. ابن حنبل، احمد بن محمود. (۱۹۹۷م). مسند (ج ۲۹). بیروت: مؤسسه الرساله.
۵. ابن منادی، احمد بن جعفر. (۱۴۱۸ق). الملاحم. قم: دار السیره.
۶. احمد الحسن، (احمد بن اسماعیل). (۱۴۳۱ق). المتشابهات (ج ۱ و ۴). بی‌جا: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۷. احمد الحسن، (احمد بن اسماعیل). (۱۴۳۳ق، ۲۰۱۲م). الوصیه المقدسه الكتاب العاصم من الضلال (ج ۲، جمع آوری: علاء السالم، چاپ اول). بی‌جا: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۸. احمد الحسن؛ (۱۴۳۲ق). الجواب المنیر عبر الاثیر (ج ۲). بی‌جا: اصدارات انصار الامام المهدی علیه السلام.
۹. اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱) کشف الغمه فی معرفه الائمه. تبریز: بنی هاشمی.
۱۰. اسحاقیان، جواد. (۱۳۹۲). اشباح انحراف. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام. مرکز تخصصی امامت و مهدویت.
۱۱. اکبرنژاد، مهدی. (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت. قم: بوستان کتاب.
۱۲. پرهیزگار، محمدعلی؛ حیدری‌فر، مجید. (۱۳۹۵). نقد استناد بهائیان به آیات و روایات در اثبات مهدویت علی محمد شیرازی، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، ۱۰(۳۹)، صص ۲۱۱-۲۲۶.

۱۳. جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۸). کژراهه. تهران: مؤسسه جام جم.
۱۴. حاج قلی، احمد و دیگران. (۱۳۹۵). درسنامه فرقه‌های انحرافی. قم: مرکز تخصصی مهدویت.
۱۵. حافظ برسی، رجب بن محمد. (۱۴۲۲ق). مشارق انوار الیقین. بیروت: اعلمی.
۱۶. حجامی، حسین. (بی‌تا). به‌سوی انحراف. قم: پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی.
۱۷. حجامی، حسین. (۱۳۹۶). نقد و بررسی جریان احمد اسماعیل. قم: پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی.
۱۸. حلی، حسن بن سلیمان. (۱۳۷۹). مختصر البصائر. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
۱۹. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۹۹). جریان شناسی فکری ایران معاصر. قم: دفتر نشر معارف.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار الشامیة.
۲۱. رضائزاد، عزالدین؛ فلاح علی‌آباد، محمدعلی. (۱۳۹۲). بررسی ادعای ولادت مهدی موعود (علیه السلام) در آخرالزمان در روایت ام‌هانی با تأکید بر نقد ادعای بهائیت. فصلنامه انتظار موعود، ۱۳(۴۱)، صص ۱۱۱-۱۲۸.
۲۲. رضائزاد، عزالدین؛ رضایی، سیدمحمد مهدی. (۱۳۹۳). نقد و بررسی ادله‌ی نقلی قادیانیه، در موعودانگاری غلام احمد قادیانی. فصلنامه انتظار موعود، ۱۴(۴۶)، صص ۱۴۱-۱۶۲.
۲۳. عنایت الله، سهراب. (بی‌تا). مبادی استدلال. بی‌جا: موسسه ملی مطبوعات امری.
۲۴. سیالکوتی، نذیر احمد مبشر. (۱۳۸۰ق/۱۹۶۱م). القول الصریح فی ظهور المهدی و المسیح. غنا: شرکت اسلامیة.
۲۵. شیرازی، علی‌محمد. (بی‌تا). الدلائل السبعة. بی‌جا: بی‌نا.
۲۶. صدر، سیدمحمد. (۱۳۸۴). تاریخ پس از ظهور (مترجم: حسن سجادی‌پور، چاپ اول). تهران: موعود عصر.
۲۷. صدوق، محمدبن علی ابن بابویه. (۱۳۷۷). کمال الدین و تمام النعمة (مترجم: محمدباقر کمره‌ای). تهران: اسلامیة.
۲۸. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه. (۱۳۹۸ق). توحید. قم: جامعه مدرسین.

۲۹. صفری فروشانی، نعمت‌الله؛ کامیاب، مسلم. (۱۳۹۵). ترفندهای روان‌شناختی مدعیان دروغین مهدویت، در ایران معاصر. مجله انتظار موعود، ۱۶(۵۵)، صص ۷۵ - ۱۰۰.
۳۰. طرفداران اسماعیل، احمد. (بی‌تا). ادلة جامع دعوت یمانی (جزوه). بی‌جا: بی‌نا.
۳۱. عقیلی، ناظم. (بی‌تا). الرد الحاسم علی منکرین ذریة القائم. بی‌جا: انصار الامام المهدی.
۳۲. فلاح علی‌آباد، محمدعلی. (۱۳۹۶). گونه‌شناسی ترفندهای بایبان و بهائیان در روایات پیش‌گویی ظهور، مشرق موعود، ۱۱(۴۱)، صص ۲۲۱-۲۴۳.
۳۳. قادیانی، غلام احمد. (۲۰۰۸م). روحانی خزائن؛ ربوه پاکستان. بی‌جا: بی‌نا.
۳۴. قزوینی، محمد کاظم. (۱۴۲۷ق). الإمام المهدی علیه السلام من المهد الى الظهور. قم: دار الانصار.
۳۵. گلیاگانی، ابوالفضل. (۲۰۰۱م). کتاب الفرائد (چاپ اول). آلمان: لجنه ملی نشر آثار امری.
۳۶. مامقانی، عبدالله. (۱۳۸۵). مقباس الهدایة فی علم الدرایة (ج ۱). قم: دلیل ما.
۳۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. مفید، محمد بن محمد بن النعمان. (۱۴۱۳ق). الارشاد (دو جلد در یک مجلد). قم: کنگره شیخ مفید.
۳۹. مفید، محمد بن محمد بن النعمان. (۱۳۷۲). اوائل المقالات. قم: کنگره شیخ مفید.
۴۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۲). الغیبة (مترجم: فهری). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۴۱. نوری، حسین علی. (۱۳۷۷). (بها)، کتاب ایقان. آلمان: لجنه ملی نشر آثار بهایی.
۴۲. وحیدی، محمدحسین. (۱۳۹۵). بررسی و نقد شاخصه‌های تأویل‌گرایی در جریان‌های انحرافی مهدویت. نشریه انتظار موعود، ۱۶(۵۵)، صص ۱۰۱-۱۲۶.
۴۳. یعقوبی، علی. (بی‌تا «الف»). به‌سوی ظهور (جزوه). بی‌جا: بی‌نا.
۴۴. یعقوبی، علیو (بی‌تا «ب»). نظام بشر (جزوه). بی‌جا: بی‌نا.
۴۵. یعقوبی، علی. (بی‌تا «ج»). نظام عالم (جزوه). بی‌جا: بی‌نا.
۴۶. یوسفیان مهدی؛ شهبازیان، محمد. (۱۳۹۲). بررسی برخی ادله روایی احمد بصری؛ یمانی دروغین، فصلنامه مشرق موعود، ۷(۲۷)، صص ۵۹-۸۲.

References

* The oo y uu unn

1. A Group of Authors. (2009). *Deviation*. Tehran: Jam-e Jam Institute. [In Persian]
2. Ahmad al-Hasan (Ahmad bin Isma'il). (2010). *Al-Mutashabihat* (Vol. 1 & 4). Ansar Imam Mahdi Publications. [In Arabic]
3. Ahmad al-Hasan (Ahmad bin Isma'il). (2012). *Al-Wasiyyah al-Muqaddasah al-Kitab al-'Asim min al-Dalal* (Vol. 2, Ala' al-Salem, Ed., 1st ed.). N.p.: Ansar Imam Mahdi Publications. [In Arabic]
4. Ahmad al-Hasan. (2011). *Al-Jawab al-Munir 'Abr al-Athir* (Vol. 2). Ansar Imam Mahdi Publications. [In Arabic]
5. Ahmad Isma'il Supporters. (n.d.). *Al-Dala'il al-Jami'ah Dawat al-Yamani* (Booklet).
6. Akbarnejad, M. (2007). *A Comparative Study of Mahdism in Shia and Sunni Narrations*. Qom: Bustan-e Ketab. [In Persian]
7. 'Aqili, N. (n.d.). *Al-Radd al-Hasim 'ala Munkirin Dhurriyyat al-Qa'im*. Ansar Imam Mahdi.
8. Arbali, A. (2002). *Kashf al-Ghummah fi Ma'rifat al-A'immah*. Tabriz: Bani Hashemi. [In Persian]
9. Ayati, N. (2015). *Rah wa Birah*. Qom: Hazrat Mahdi Mo'oud Cultural Foundation. [In Persian]
10. Ayati, N., & Karimi, M. (2018). *An Examination of the Quranic Interpretations of Ahmad al-Hasan al-Basri with Emphasis on Conflicting Evidences of Reason and Transmission*. *Intizar-e Mo'oud Journal*, 18(60), 119-137. [In Persian]
11. Es-haqiyan, J. (2013). *Ashbah Inhiraf*. Qom: Hazrat Mahdi Mo'oud Cultural Foundation, Specialized Center for Imamate and Mahdaviat. [In Persian]
12. Falah Aliabad, M. A. (2017). Typology of Bábí and Bahá'í Tactics in the Prophetic Predictions of the Appearance. *Mashriq-e Mo'oud Journal*, 11(41), 221-243. [In Persian]

13. Golpaygani, A. (2001). *Kitab al-Fara'id* (1st ed.). Germany: Lajnah Milli Nashr Athar Amri. [In Arabic]
14. Hafiz Barasi, R. (2001). *Mashariq Anwar al-Yaqin*. Beirut: 'Alami. [In Arabic]
15. Haj Qoli, A., et al. (2016). *Textbook on Deviant Sects*. Qom: Mahdawiyyat Specialized Center. [In Persian]
16. Hajami, H. (2017). *A Critique and Analysis of the Ahmad Isma'il Movement*. Qom: Research Center for Mahdiism and Futurology. [In Persian]
17. Hajami, H. (n.d.). *Towards Deviation*. Qom: Research Center for Mahdiism and Futurology.
18. Hilli, H. (2000). *Mukhtasar al-Basa'ir*. Qom: Jama'at al-Mudarrisin fi al-Hawzah al-Ilmiyyah bi Qom, Mu'assasat al-Nashr al-Islami. [In Arabic]
19. Ibn Hamad, N. (1994). *Al-Fitan*. Beirut: Dar al-Fikr li al-Tiba'a wa al-Nashr wa al-Tawzi'. [In Arabic]
20. Ibn Hanbal, A. (1997). *Musnad* (Vol. 29). Beirut: Mu'assasat al-Risala.
21. Ibn Munadi, A. (1997). *Al-Malahim*. Qom: Dar al-Sirah. [In Arabic]
22. 'Inayat Allah, S. (n.d.). *Fundamentals of Reasoning*. Amri Press National Institute.
23. Khosropanah, A. (2020). *Intellectual Movements in Contemporary Iran*. Qom: aa 'rrffPubooooooooff f.... [In Prrsnr]
24. Majlesi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
25. Ma'maghani, A. (2006). *Maqbas al-Hidayah fi 'Ilm al-Dirayah* (Vol. 1). Qom: Dalil Ma. [In Arabic]
26. Mufid, M. (1992). *Al-Irshad* (Two volumes in one). Qom: Congress of Sheikh Mufid. [In Arabic]
27. Mufid, M. (1993). *Awail al-Maqalat*. Qom: Congress of Sheikh Mufid. [In Persian]
28. Nu'mani, M. (1983). *Al-Ghaybah* (Fahri, Trans.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]

29. Nuri, H. A. (1998). (Baha), *Kitab-i Iqan*. Germany: Lajnah Milli Nashr Athar Bahá'í. [In Persian]
30. Parhizgar, M. A., & Heidarifar, M. (2016). A Critique of Bahá'í Reference to Quranic Verses and Hadith in Proving the Mahdism of Ali Muhammad Shirazi. *Mashriq-e Mo'oud Journal*, 10(39), 211-226. [In Persian]
31. Qadiani, Q. A. (2008). *Ruhani Khaza'in*. Rabwah, Pakistan. [In Arabic]
32. Qazwini, M. K. (2006). *Al-Imam al-Mahdi min al-Mahd ila al-Zuhur*. Qom: Dar al-Ansar. [In Arabic]
33. Raghib al-Isfahani, H. (1991). *Mufradat Alfaz al-Quran*. Beirut: Dar al-Shamiya. [In Arabic]
34. Razanejad, 'A., & Falah Aliabad, M. A. (2013). An Examination of the Claim of the Birth of Mahdi Mo'oud in the End Times in the Hadith of Umm Hani, with Emphasis on the Bahá'í Claim Critique. *Intizar-e Mo'oud Journal*, 13(41), 111-128. [In Persian]
35. Razanejad, 'A., & Raza'i, S. M. M. (2014). Critique and Analysis of the Traditional Proofs of Qadianism in the Mahdism Claim of Ghulam Ahmad Qadiani. *Intizar-e Mo'oud Journal*, 14(46), 141-162. [In Persian]
36. Sadr, S. M. (2005). *History After the Appearance* (Sajjadi-Pour, H, Trans., 1st ed.). Tehran: Mo'oud-e Asr. [In Persian]
37. Saduq, M. (1978). *Tawhid*. Qom: Teachers Society. [In Arabic]
38. Saduq, M. (1998). *Kamal al-Din wa Tamam al-Ni'mah* (Kamra'I, M. B, Trans.). Tehran: Islamiyyah. [In Persian]
39. Safari Foroushani, N., & Kamyab, M. (2016). Psychological Tactics of False Mahdism Claimants in Contemporary Iran. *Intizar-e Mo'oud Journal*, 16(55), 75-100. [In Persian]
40. Shirazi, A. M. (n.d.). *Al-Dala'il al-Sab'ah*.
41. Sialkuti, N. A. M. (1961). *Al-Qawl al-Sarih fi Zuhur al-Mahdi wa al-Masih*. Ghana: Shirkah Islamiyyah. [In Arabic]
42. Vahidi, M. H. (2016). A critique of the characteristics of esotericism in the deviant Mahdism movements. *Intizar-e Mo'oud Journal*, 16(55), 101-126. [In Persian]

43. Ya'qubi, A. (n.d.). *Human System* (Booklet).
44. Ya'qubi, A. (n.d.). *Towards the Reappearance* (Booklet).
45. Ya'qubi, A. (n.d.). *World System* (Booklet).
46. Yousefian, M., & Shahbazian, M. (2013). An examination of some hadith-based arguments concerning Ahmad Basri, the false Yamani. *Mashriq-e Mo'oud*, 7(27), 59-82. [In Persian]

